



چند اشکال در لغت فرس

وحید عیدگاه طریقه‌ای (استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

لغت فرس اسدی چاپ‌های گوناگونی دارد که هر کدام از آن‌ها در سنجش با دیگر چاپ‌ها مزیت‌ها و معایبی دارد. فتح‌الله مجتبائی و علی‌اشرف صادقی آخرین تصحیح این کتاب را در سال ۱۳۶۵ منتشر کرده‌اند. این ویراست بسیار متداول است و اهل تحقیق در پژوهش‌های زبانی و لغوی، بسیار از آن بهره برده‌اند و بدان استناد کرده‌اند. برخی از اشکال‌های ویراست‌های دیگر لغت فرس یا فرهنگ‌های مرتبط با آن در این ویراست برطرف شده، اما برخی اشکال‌ها همچنان برطرف نشده‌است یا تنها در این ویراست دیده می‌شود.

پیش از پرداختن به اشکال‌ها باید سخنی از روش دو مصحح متن به میان آورد. زیرا بسیاری از اشکال‌های برجای مانده در متن از همین روش ناشی شده‌است؛ روشی که می‌توان آن را «روش خوددارانه» نامید. مصححان در مقدمه آورده‌اند که متن کتاب برابر با نسخه‌ی اساس است و در آن تغییر و تصرفی روا نداشته‌اند، مگر هنگامی که ضبط اساس آشکارا نادرست بوده باشد (اسدی طوسی ۱۳۶۵، ص ۱۵). همچنین افزوده‌اند که «در تمامی مواردی که قرائت یا معنی عبارت یا مصرع‌ی مورد تردید بوده‌است اصولاً در ضبط کلمات تغییری داده نشده و تصحیحات ذوقی و حدسی در متن راه نیافته‌است» (همان، ص ۱۶).

اما به نظر می‌رسد که باید در متن بیشتر مداخله می‌کردند. زیرا با توجه به پاره‌ای از آگاهی‌های مربوط به تاریخ زبان و اصول فنی شعر کهن، می‌شد در عین امانت‌داری و پرهیز از تصحیحات ذوقی، متن را پیراسته‌تر کرد. همچنین با به‌کارگیری نشانه‌های سجاوندی بیشتر در متن تصحیح‌شده و اهتمام بیشتر در حرکت‌گذاری جمله‌ها و واژه‌ها می‌شد

خواندن متن را برای خوانندگان آسان‌تر کرد و خوانش قطعی دو مصحح را نیز به شیوه‌ای نمایان‌تر پیش روی خوانندگان نهاد. برای نمونه، در بیت
آن کن که بدین وقت همی کردی هر سال خز پوش و به کاشانه رو از صفّه فروار

(فرخی، از لغت فرس، ذیل فروار، ص ۸۸)،
اشاره کرده‌اند که ضبط بخش پایانی در دو نسخه «صفّه فروار» بوده و ضبط اغلب دست‌نویس‌ها و منابع «صفّه و فروار» است (همان‌جا، پانوش). اما پدید نیست که چرا متن را به صورت کنونی نگه داشته‌اند.
در جای دیگر لغت جان‌بوز را تشخیص داده‌اند، اما وارد متن نکرده‌اند و لغت را بدون نقطه گذاشته‌اند:

از آن جان‌بوز (بی‌نقطه) لختی خون رز ده سپرده زیر پای اندر سپارا
(رودکی، از لغت فرس، ذیل سپار، ص ۹۱).
همچنین لغت بیرنگ را به درستی تشخیص داده‌اند، اما در متن بیرنگ آورده‌اند به پیروی از دست‌نویس اساس (همان، ص ۱۷۰).
البته گاه علی‌اشرف صادقی به پاره‌ای از نادرستی‌های ویراست مورد نظر اشاره کرده‌است. برای نمونه، وی در مقاله‌ای یادآور شده‌است که در بیت
گزارنده همچون طراز نخم تو گویی که در پیش آتش یخم
(فردوسی، از لغت فرس، ذیل نخ، ص ۶۶).
باید گزارنده به گدازنده دگرگون شود (صادقی، ص ۹۶).
متن کتاب یادشده به این قبیل دگرگونی‌ها و بازنگری‌ها نیاز دارد، اما گویا مجال اصلاح و بازچاپ آن هنوز فراهم نشده‌است.

بررسی چند بیت

(۱) خستو نیایم و نبوم آخشیج او کز هر دو روی سود نینم مگر زبان
(بوشکور، از لغت فرس، ذیل آخشیج، ص ۲۲).
قافیه بیت مورد نظر باید زیان باشد نه زبان. این را هم معنی تأیید می‌کند، هم قافیه بیت قبلی‌اش که زبان است و تکرار بی‌فاصله‌اش در اینجا روا نیست:
آن‌کس که مر خرد را گوهر نهد همی من پیش او گشاد نخواهم همی زبان
(همو، همان‌جا).

۲) گفت من ... ر گیرم اندر کون سبلت و ریش و موی لُنج ترا

(عماره، از لغت فرس، ذیل لُنج، ص ۵۴).

سومین واژه مصراع نخست در اغلب دست‌نویس‌ها نیز است و در دو دست‌نویس تیز. پس باید در درستی ضبط کنونی متن تردید کرد. آنچه با ریش در سروده‌های هجوآمیز کهن پیوند معنایی دارد تیز (باد شکم) است و باید همان را وارد متن کرد. اینک صورت درست بیت با اصلاح واژه مورد نظر و دگرگونی گیرم به دارم براساس نسخه‌بدل‌ها:
گفت من تیز دارم اندر کون سبلت و ریش و موی لُنج ترا

۳) روی مرا زرد کرد زردتر از زر گردن من عشق کرد نرمتر از دوح

(شاکر بخاری، از لغت فرس، ذیل دوح، ص ۶۷)

از موازنه پیداست که به جای زرد باید واژه‌ای به کار رفته باشد که فاعل فعل کرد باشد. نسخه‌بدل‌ها صورت درست موازنه را حفظ کرده‌اند:

روی مرا هجر کرد زردتر از زر گردن من عشق کرد نرمتر از دوح

(همان جا، پانویشت).

۴) درآمد یکی خاذ چنگال تیز ر بود از کفش گوشت و برد [ا] و گریز

(خجسته، از لغت فرس، ذیل خاد، ص ۷۸).

آنچه در قلاب آمده نشان‌دهنده تصحیح قیاسی است. این تصحیح قیاسی از اندک نمونه‌های روی‌گردانی دو مصحح است از شیوه خویشتن‌دارانه‌شان در تصحیح متن. با این تصحیح قیاسی نه تنها ضبط دشوار از میان رفته است، بلکه جمله‌بندی سخن نیز (فارغ از کهنه یا نو بودن آن) به هم ریخته است. پس از فعل بُرد، آمدن جمله «او گریز» بدون فعل به کلی نابهنجار است. صورت درست همان است که در دست‌نویس بوده است: «ر بود از کفش گوشت و برد و گریز» (اسدی طوسی ۱۳۶۵، ص ۷۸، پانویشت).

با این نوپیش اصیل یک ساخت دستوری کهن که از ساخت‌های ایجازی موجود در شعر گذشته است پدیدار می‌شود: فعل ماضی + فعل امر. این ساخت را عطف وجوه نیز نامیده‌اند و مصراع دوم بیت زیر از انوری را شاهد آن دانسته‌اند:

گفتم که به باغ در شو ای دلبر خیز ما دست گلابگر گرفتیم و گریز

(شفیعی کدکنی ۱۳۷۴، ص ۳۳۱).

همچنین است در مصراع نخست بیت زیر از مثنوی:

خر ز دورش دید و برگشت و گریز تا به زیر کوه تازان نعل‌ریز

(مولوی ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۱۶۲).
ساخت مورد نظر تنها با فعل گریختن به کار نمی‌رفته است. مصراع دوم بیت زیر گواهی است بر آن:

پیش هشام کوفی از ضجری این بگفت و به های‌های گری

(سنائی ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۵۰).
(۵) نه همچون رخ خوبت گل بهار نه چون تو به نیکویی بت بهار

(فرالوی، از لغت فرس، ذیل بهار، ص ۸۸).
وزن مصراع دوم نادرست است. با اصلاح نیکویی به نکویی اشکال برطرف می‌شود و وزن (مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلان) به سامان می‌آید.

(۶) ملک برفت و علامت بدان سپاه نمود بدان زمان که بسیج نهار کرد نهار

(فرخی، از لغت فرس، ذیل نهار، ص ۱۰۸).
گفته‌اند که این بیت در دیوان فرخی نیامده است. اما در قصیده سی‌ام دیوان دیده می‌شود (فرخی سیستانی ۱۳۹۴، ص ۵۲).

(۷) مجلس و مرکب و شمشیر چه داند همی آنک سر و کارش با گاو و خر است نیز گراز

(عماره، از لغت فرس، ذیل گراز، ص ۱۱۰).
وزن نادرست است، اما اشاره‌ای بدان نکرده‌اند. تا یافتن صورت قطعی، آنچه اکنون با نویسش موجود به نظر نگارنده می‌رسد این است که حرف پیوند که را به آغاز مصراع دوم بیاوریم و صامت ت را از فعل است حذف شده بینگاریم. آن‌گاه دست کم وزن درست خواهد بود:

مجلس و مرکب و شمشیر چه داند همی آن که سر و کارش با گاو و خر است نیز گراز

(۸) کشاورز و دهگان سپاهی شدند دلیران و شاهان جنگی شدند

(فردوسی، از لغت فرس، ذیل کشاورز، ص ۱۱۶).
از نمونه‌های اصرار بر تغییر ندادن غلط‌های متن، همین بیت بالا است. در حاشیه آورده‌اند که صورت درست چنین است:
«دلیران سزاوار شاهی شدند» (همان، پانوش).

۹) شاعر که دید بقد کاونجک بیهوده‌گوی و نحسک و بوالکنجک

(۴)، از لغت فرس، ذیل بوالکنجک، ص ۱۵۴).

گفته‌اند که ضبط کنونی از نظر وزن مغشوش است (همان جا). اما پیش‌واژه به در شعر قدیم گاه بر وزن یک هجای بلند بوده‌است. برای نمونه، این بیت بوالعباس را بنگرید که در آغاز مصراع دوم آن به بر وزن بر خوانده می‌شود:

ای میر ترا گندم دشتی ست بصد ده به نغنگی چند تو را من انبازم

(بوالعباس، از لغت فرس، ذیل نغنگ، ص ۱۳۹).

همچنین است به در مصراع دوم این بیت طیان:

مرد را نهمار خشم آمد از این غاوشنگی به کف آوردش گزین

(همان، ذیل غاوشنگ، ص ۱۶۵).

جزء صرفی به نیز گاه به همین سان ادا شده‌است:

بخور و بده کجا پشیمان نبود هرکه بخورد و بداد از آنک بیلخت

(همان، ذیل الفخت، ص ۴۱).

پس در بیت مورد بحث وزن مغشوش نیست.

۱۰) ای قحبه نیازی ز دف به دوک سراینده شدی چون فراستوک (۴)

(زرین‌کتاب، از لغت فرس، ذیل فراستوک، ص ۱۵۷).

گفته‌اند صورت صحیح بیت معلوم نیست (همان جا، پانوش). اما بیت فاقد اشکال است. باید توجه داشت که در عروض قدیم، گاه به جای «مفعول» در سرآغاز مصراع، رکن «مفاعیل» را به کار می‌بردند (شمس قیس ۱۳۸۸، ص ۱۸۸) و این نه تنها غلط وزنی شمرده نمی‌شده‌است بلکه نشان‌دهنده صورت کامل تر وزن بوده‌است؛ زیرا وزنی چون مفعول مفاعیل فاعلن بر روی زنجیره عروضی، کوتاه‌شده مفاعیل مفاعیل فاعلن است (اولی یک هجای کوتاه از آغاز کم دارد که به جای آن سکوت می‌کنیم). در بیت مورد بحث مصراع نخست بر وزن مفعول مفاعیل فاعلان است و مصراع دوم بر وزن مفاعیل مفاعیل فاعلان. پس اشکالی در کار نیست و صورت صحیح بیت همان است که در متن آمده‌است.

۱۱) برگشت چرخ با من بیچاره وآهنگ جنگ دارد بتیاره

(کسایی، از لغت فرس، ذیل بتیاره، ص ۲۱۰).

واپسین واژه مصراع دوم بتیاره (پتیاره) است به معنای «بلا» که اگر مطابق با نسخه بدل، پیش از آن واو عطفی نیز فزاییم کاربرد امروزی واژه به ذهن می‌رسد که درست نیست. صورت درست با عطف پتیاره به جنگ چنین است:

برگشت چرخ با من بیچاره و آهنگ جنگ دارد و پتیاره

سزاوار یادآوری است که در پانوشت همین بیت به درستی یادآور شده‌اند که صورت درست پتیاره است نه بتیاره (همان جا، پانوشت).

(۱۲) بدلها اندر آویزد دو زلفش چو دوزه کاندرا آویزد بدامن

(خفاف، از لغت فرس، ذیل دوزه، ص ۲۱۱).

بیت شاهد لغت دوزه است به معنای «گیاه خاردار». اما اشکالی که در آن به چشم می‌خورد به لغت ربطی ندارد. مسئله نو شدن جمله بندی شعر است بر اثر فراموش شدن یکی از کارکردهای چو در شعر قدیم. چنان که در پانوشت یادآور شده‌اند، ضبط مصراع دوم در سه دست نویسنده اندر بوده است نه کاندرا (همان جا، پانوشت). این بدان معنی است که چو به معنای «چنان که» به کار رفته است؛ کاربردی که در سنجش با چو به معنای «همانند» ضبط دشوار و اصیل به شمار می‌رود. از اتفاق، در لغت نامه دهخدا همین بیت با نویسنده اندر، یکی از شاهدهای معنای «چنان که» است (دهخدا و همکاران ۱۳۷۷، ذیل چو).

همانند این وضعیت درباره واژه همچو در همین کتاب رخ داده است، با این تفاوت که مصححان این بار به درستی صورت کهن را در متن حفظ کرده‌اند:

روز دگر چو شعر تقاضای من شنید سر درکشید همچو کشد راورا ز بیم

(منجیک، از لغت فرس، ذیل راورا، ص ۳۳).

(۱۳) بالای پای اندر آورد رود به خشم و به کین نیزه را درر بود

(فردوسی، از لغت فرس، ذیل بالای، ص ۲۲۵).

پیدا است که قافیۀ مصراع یکم زود است، نه رود. افزون بر معنی، تفاوت تلفظ رود (با واو مجهول) و ربود (با واو معروف) در زبان فردوسی، که بیت بدو منسوب است، نیز قرینه‌ای بر نادرستی رود تواند بود. صورت درست در حاشیۀ صحاح الفرس، که مورد استناد دو مصحح کتاب نیز بوده است، دیده می‌شود (محمدبن هندوشاه ۱۳۴۱، ص ۲۹۸).

(۱۴) سخن مجوی ولیکن چنان نمای به خلق که مسانی از تو بترسد نشیند اندر مای

(کسایی، از لغت فرس، ذیل مای، ص ۲۲۵).

مای به معنی «سرزمین جادوگران». بنابراین، مائی را باید در آن به مایی اصلاح کنیم تا معنای بیت درست شود. این دگرگشتگی شاید از نویسش احتمالی مائی ناشی شده باشد. به هرروی، صورت درست مایی است که در متن‌های دیگر نیز شاهد دارد. منوچهری گوید:

گرچه به هوا برشد چون مرغ همیدون ورچه به زمین درشد چون مردم مایی

(دهخدا و همکاران ۱۳۷۷، ذیل مایی).

(۱۵) چو کاسموی گیاهان او برهنه ز برگ چو شاخ رنگ درختان او تهی از بر

(فرخی، از لغت فرس، ذیل کاس موی، ص ۲۲۷).

نسخه‌بدل‌ها نشان می‌دهند که قافیۀ بیت در همه دست‌نویس‌ها و نیز دیوان چاپ‌شده شاعر بار است نه بر. این تفاوت از نظر لغت اهمیتی ندارد، اما از این نظر که تعلق بیت را به یک شعر مشخص رد یا تأیید می‌کند سزاوار توجه است. هنگامی که همه سندها قافیۀ بار را تأیید می‌کنند، درمی‌یابیم که بیت مربوط به قصیدۀ سی‌ام دیوان فرخی است با مطلع زیر:

قوی‌کننده دین محمد مختار یمین دولت محمود قاهر کفار

(فرخی ۱۳۹۴، ص ۵۱).

سخن پایانی

در تصحیح لغت فرس نباید پای‌بندی کاملی به ضبط‌های دست‌نویس اساس داشت. پاره‌ای از لغزش‌ها با دقت در مباحث تاریخی زبان و اصول فنی شعر کهن فارسی برطرف‌شدنی است. برخی از پانویشت‌های دو مصحح نیز سزاوار بازنگری است.

منابع

- اسدی طوسی (۱۳۶۵)، لغت فرس، به کوشش فتح‌الله مجتبائی و علی‌اشرف صادقی، تهران، خوارزمی.
سنائی غزنوی (۱۳۹۷)، حدیقة‌الحقیقة، به کوشش محمدجعفر یاحقی و مهدی زرقانی، تهران، سخن.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۴)، مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، تهران، سخن.
شمس قیس رازی (۱۳۸۸)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا، تهران، علم.
صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۳)، «گیارنده یا گیازنده»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۸، صفحه‌های ۹۴-۹۸.
فرخی سیستانی، علی‌بن جولوغ (۱۳۹۴)، دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
لغت فرس، ← اسدی طوسی (۱۳۶۵).
محمدبن هندوشاه (۱۳۴۱)، صحاح‌الفرس، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۹۶)، مثنوی معنوی، به کوشش محمدعلی موحد، تهران، هرمس و فرهنگستان زبان و ادب فارسی.